

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب طبیب الحکما فی الطب و العلوم و الدوا

مؤلف: مصحح: مکتوب: حکیم

مترجم:

شماره قفسه: ۱۶۱۴۳



جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۲۰۷۲۰۸

این چند کلمه از سر کتاب لقمان حکیم علی بن ابی طالب
 والحمد لله رب العالمین
 و اگر کسی بگوید که این کلمات را در روزی که در آن روز
 سوره الحمد و سوره بقره و سوره آل عمران و سوره اعراف
 بر آب افکند و بخواند و سه بار بگوید بسم و آن کلمات را بر فلان
 کلمه ای که چهار بار اسم برده شود و این آیه را بخواند تَنْفِذُونَ
 اِذَا طَارَ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَانْفِذُوا اَلَا تَنْفِذُونَ اَلَا
 تَنْفِذُونَ اَلَا حَسْبِيَ اللَّهُ وَ لَعَمْرُكَ الْوَكِيلُ سه بار بخواند و بر ریسمان دم
 و حکم کرده زند دین کرک بر مال نام برده بسته شود یا بر آب افکند
 و بر آن موی که زهره خورس را بر آن خود مالده هر چند خواهد
 مجامعت نماید می تواند کند و اگر زن شیر آب بر خود
 بکشد و دست توقف کند که فرجش تنگ نشود و اگر موی سیاه

آدمی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

آدمی را بگوید را نند و خاک را و را به کلاب یا بنی و بر سر
 عورت کند یا بر سر عورتی که و کند و میس عمل دارد و اگر کسی
 آمده می سبوح را نند و خاک را یا بر سر که یا بنی و بر سر
 بر خنجر که کشت سبب از جانب ملک بکشد و در وقت
 اندازد و بر سر که بکشد یا بنی و در وقت بکشد و اگر کسی
 بر یاق که ده بخورد و در چشم خنجر که بر سر که بکشد و اگر کسی
 و خنجر که ده بر آن بکشد و در وقت بکشد و اگر کسی
 را نند و خاک را یا بر سر که بکشد یا بنی و بر سر
 و خنجر که ده بر آن بکشد و در وقت بکشد و اگر کسی
 مرده را بر سر که بخورد و در وقت بکشد و اگر کسی
 خود را بر سر که بکشد و در وقت بکشد و اگر کسی
 بر سر که بکشد و در وقت بکشد و اگر کسی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

همیشه تن در استیلاست و هر که مقصد او برون آید بویست مار در زیر خود و دود کند
 بجای خود باز آید هر که دیر خرگوش را با خود نگاه دارد اگر بچنگ رود بستان
 باز آید و اگر خرگوش را بخورد دیر را ببرد و اگر مغز مغز خرگوش را بجای
 که خافور کزیده باشد در آن موضع آله از را او را ببرد و اگر پیچ خرگوش را
 زن بویست و پای خود مال را بکشد هر که کشت رو باه را بوز و قویخ
 یاد را ببرد و هر که پیچیده کرده رو باه را در کوف پای خود آله بر چند که
 راه رود مانده نشود و اگر چای رو باه را بایست پای خود آله از را بکشد این
 باشد و اگر کسی طبعش دل باشد با انگبین سفید بیاورد و بخورد و بپزد
 بفرمان الله تعالی و هر که کشت کینه را بر او انداخته و بد تا بخورد بپزد
 و اگر ضمیمه را بر او خشک کند و بر دگر آید به بجا موی کند آن زن عیواد
 کسی دیگر را نخواهد و اگر دل که بر او کباب بسته بخورد دیر کودد و اگر خون
 که بر او پنج قطره خون بر آید و به هم نرم کنند بر روی مرغی که آله عاقله او شود

سکوب

کوب که هر که دیر خرگوش را با خود دارد اگر در میان صد هزار تن در آید
 بسلاطت برون آید سکو که دیر رو باه را بسیار بخورد
 صفر را بنشیند و قف جگر را بنشیند و خون را صاف کند
 کوبید که هر که نیلوفر را بکشد و آبش را بر روی ماله آله
 ببرد و اگر پیچ بپسند بار و غن نیلوفر بکشد از دیر و بخت ماله ببرد و کشتی
 در بین بعوز ایل کرده و اگر همین ترکیب را سه روز در پی کشته از بخت علت
 پاک شود و اگر کسی را طبعش دل باشد و دل رو باه را خشک کند و با انگبین
 سفید بخورد و نیکو شود سکو که هر که مغز سکر را با انگبین بپا بپزد
 و در حمام بر خود آله و در بپشت را نشاند و هر که مغز کمر را با خود دارد و مار
 و کز دهم بر روی کار نکند و اگر خون که بر او بار و غن جوهر در کوشش
 چکاند کرب را ببرد و اگر کسی عمل و زنجیر پیورده را بر دگر آله
 جاع را لذت دهد مردان جسته شپش بیخ کوکنا را بکوبند و بر آله

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاریخ ثبت

الذی دفع بقیته کند و اگر پنج لیبر را برساند و در آخر کرده به ملک الله
و بر موضع که تراشیده باشند با پنج کوزه از نوری بر نیاید گوید
که روزی که خلافت پادشاه سلطان احمد بن ابده رسید جمع
علماء و حکمای عصر خود را طلبیده فرمود که از برای من کتابی اختیار
کنید چنانکه در سفر و سفیر فایده او بین رسد پس شیخ ابراهیم بن
محمد غزنوی این چند کلمه را انتخاب نمود و نامش را رحمة الانسان
که از ائمه اعدیان از وفایده بسیار بهره مند بالله التوفیق
حکم گوید هر کس چربی بسیار خورد و معده اش بپا شود و ضعیف دل
و گرم جگر آورد و در شکم و سبب عرق به بوی پریه آورد
و هر کس سخی بسیار گوید و در شقیقه آورد و هر کس باذن صحبت کند
که ده اش ضعیف گردد و ما بهر بسیار خوردن در دسه و در دندان
آورد و استخوان نامر و کوفان شتر را در دکنده تا نفع باشد گوید
که هر کس

که هر کس به سترج در دو لب یا نشیند علت بواسیر پیدا کند و بخورد
بودی و بین را بر طرف کند و هر زنی که سنگ شصا طبعی که هر ماه بار باشد و در دست
گیرد و بچشم بپایند و هر که کهنه ناز یا نایه و بر جرح است نه در خون باز آید و هر که
کشیز را بگوید و بر آسای نمد بر طرف شود و گوید که هر طغی که زبانه قراب
بول کند قابل بیماری یکم شغال بگوید و بخورد بر طرف کند و هر که تخم کهنه ناز
با یکدیرم شکر سر و زنجیر و اگر خون شکر داشته باشد باز آید و هر که کشیز و کلا
در چشم کشد اگر از چشم او بر نیاید اگر برون آید هر طرف بپزند و هر که قی بسیار کند
و در دم سنگ اشی را آب ششما بخورد و در حال که قی آید باز دارد و اگر زنی که
حیض بسته باشد قدری سداب و قدری کلاب گرم بکند و بخورد و حیض کشد و اگر
و اگر کسی را کزیده باشد بکشد سداب و برک انجیر را با هم بگوید و بار و عن تازه
مجموع کرده بخورد و یک است صبر کند عرف کند با عرف از بدن او برون آید
ان زهر را بر طرف کند و هر که را در معدده باشد که معده او برون آید ششما سداب

انوار احاطه

خف
نه

[illegible]

کبریا

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

برای

۱۰۰ جم. ۲۰

بکینزد و هر که شراب را بخوشند و بخورد معده را صاف کند و اندوخت
دهد و هر که زهره گو سفند را آب ترب یا میزد و در گوش چکاند اکبر در
گوش دهنه با نر پروان آید و هر که سیر را باروغ گنجه خیرسازد و خارش
معده و بدن را ببرد و هر که بوره زر کو را با سیر میگوید و شکم کند در دم
قلنج باور اکبت میگوید و باور اقلیل کند کویده که هر که سیر بسیار
معده را پاک کند و زهره از دست پاید و باد لغوه را بر طرف سازد
و سستی بدن را زایل کند اما در شقیقه آورد و صفا بکشد و اندوختن
آورد و هر که سیر را بنره گو سفند بخوشند و در گوش چکانند کوی گوش
ببرد کویده که هر که صرح پودا نماید صبر را دو کند و خود را بران
دو نگاه دارد و علتش را دفع کند بهی که بر باروغ غنی کلاو بریان کند و بخورد
درین اندوخت میگوید و اگر با سیر که بخورد بهتر باشد و هر که را ز آب بکشد
باز گوشه فار پوش بریان کرده بخورد بگوید و هر که را بکشان در بدن

ارسطو بطریق

مؤید

در این کتاب
مجموعه
کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مانده باشد پرونیاید سرکین خرد و نیم کرده بران جراحت نمهند
نیکو شود موش نیز همین خاصیت دارد و هر که اعصابش را بر اثر زایل
و هر که استی قضا باشد در غایت تخم ترب را با روغن تازه بمالد
سخت شود گوید هر که صبح ترب بخورد باد های مخالف با برود و موه را
با کینه کند و اگر بر خورده باشد او را نکند و قلیه شیر خورده نشانی فایده دارد
و قلیه را سخت میکند هر آنکس را دندان درد کند بران بران کند و در
دندان کید به شود و هر که پوست سر را بسوزاند و با روغن کچالو خیزد بر هر وضعی
که موشش رفته باشد بمالد موی پرونیاید و اگر بران با شیر بکشد نه و بخورد نه
دل را قوت دهد گوید هر که اسهال باشد پنبه خرد و سب با عسل
بخورد به شود و هر که پنبه خرد و سب بر خود بمالد بوی کار نکند و اگر خون خرد
در چشمش موی زیاده را ببرد و هر که عسل بوالسیر بهمزد نه زهره خرد و سب
با عسل نرم کند بخورد به شود و دیگر زهره مسک را با پنبه خرد و سب کند بوالسیر را
بر طرف کند

و اگر کسی بجز با شیر بکشد نه و بخورد و سب نه و از آن بکشد و هر که
بیشش باشد تا بخورد نهند است باشد و دل را قوت دهد و عمر را دراز کند
و هر که بر کشتن فغانا گوید و بر جراحت که گرم افتاده باشد نمند به شود و هر که
روغن دانه شفتالو را بگیرد و فستیک زد و در گوش کند که گویای گوش را
بر طرف کند و هر که تخم کرفش با نه کشد در خیر زد و در دهن قرقر کند
او را زگر خسته باشد یکاید و هر که تخم کرفش را بپوشاند و آب از او در شکم
و امساق تویج با روغن کند و اگر کسی کرفش را بجون کند و بخورد سردی ببرد
و زدن که بکشد شکم او مرده باشد تخم زردک و روغن سفید و سب در زیر
دامن او دود کنند در حال خلاص یاب گوید که هر که یک قندج است
عذاب با یک سیر عسل در حمام بخورد قی بسیار کند و صاف شود و هر که
کله شکر سفید را بپوشاند و نمک درانی نماید بخورد در چند کیفیت خورده نمیشود
گوید که هر که سیر سیاه خورده مار و کوزله مار او را نکند و اگر مار کسی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

گرفته باشد یکدانه سیر زخم نهد نیک شود و اگر فقیص کسی سست شود
و قوت ندهد قد سیر را و فنی بجوش نهد و بخورد و آنکه هم بر ذکر باشد
سخت شود و اگر چند وقت پیاز را در گوشت بپزد بجوش نهد و بخورد
و این غیر ایند و کرده را قوی گرداند و آب پزشت را زیاده کند و اگر
ماضت زن یا مدحه داشته باشد همه را راضی کند و اگر آب پیاز را
با سرکه زم کرده در بدن بسیار مالد لکه را بر طرف کند و هر که بودینه
داشت و صحرار آب پیاز بخورد باغ و باد های مخالف را به برد و صده را قوی
گرداند و هر که زکری بسیار بود در دست قیق را میل شود و هر که چشم را
قوت دید و خواب خوشش آرد و هر که نیلوفر را بگوید و آبش در دهان
بگیرد و دیگر بر روی مالده نشان آب پیاز بر صراف سازد
گوید که هر که زعفران و مشک در آتش نهند و دماغ را به دود آن دارد
زکامی را به برد هر که در دم زعفران با سرکه زم کند بخورد بسیار بخندد

و عقل



اقیان چک

و عقل او زایل شود عی و صده را قوی گرداند و بوی دهن را به برطرف کند
و آشته مار اصفاف کند و فرما به عود را که در سینه و در دهان
این مجون که هر طور است کسی بخورد او را بیماری و علت کم بود
تخم زردک و تخم بونه مصطکی و از بادیان با هر که دم یک سیر و باز بازو
بجوشک و جویز بیا و زیره همه را بگویند و به پزند و با عسل بیا مزین
و هر روز قدری بخورند فایده تمام یابند و اگر کسی از شکم پرده بادام
باروغن و کل برینان بریان کند و هر روز یکمته قال بخورد خون از شکم باز آید
و اگر کسی بیکان در استخوان یا در گوشش مانده باشد کجشک را به و نیم کرده گرم
بر زخم نهد فی الحال بر دهن آید و اگر کسی سیم را در کوه کرد بجوش نهد و به جانور
دید پشه شون گردد و دیگر گوشت الب با پیاز زم کند در وقت جاش بخورد
و بوقت شام بخورد اگر ده زن و کینز داشته باشد همه را خوشنودن و کام داشته باشد
و حکما گفته اند که هر که جوین سیاه را بگوید و در زیر دندان نهد در در السکینی کند



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

و اگر کسی که خون آید تخم کاسنی را با سنگ بپزند و بنوشند و بر سر کشند
 بشود و اگر کسی در دهنش تخم کاسنی را با کلاب میزند و بر سر بندد درد سر را برطرف
 دیگر زبان زایع سیاه را در میان شش نهاده که وقت بخورد سودمند است و نیز جگر
 مفید است و دیگر مغز سرخ کج شک در قندیل که خورده شود جماعت کند قوت
 و اگر کسی بپکان در جای مانده باشد مغز سرخ را به سبب نموده هر چه است کند دارد
 در حال بپکان بیرون آید و اگر کسی خون از بیرون دندان او بیرون آید بر کرباسماق بپزند
 و در بیخ دندان سعت بگیرند نافع باشد و اگر کسی دندان درد کند چوب عاقر قرقص
 درد دندان کمر نفع دهد و اگر کسی بایر که جگر بپزند بپوشانند باب اول بپزند و بپزند
 دوی بیرون آید و اگر کسی را افزون نمایند دندان کفار را با خود دارد دیگر فرزند
 نمید و در زخم که بپاشد خرگوش نرم کند و بخورد که هرگز گران حاصل نموده و اگر کسی را بپزند
 باشد موشی اگر کم کند و بر زخم بپزند و اگر کسی سم اولان بپزند و خاکستر او را
 با خود نگاه دارد جادو بروی کار کنند و اگر زن زهره خرگوش را با خود نگاه دارد آبستن
 و اگر بپزند

و اگر بخورد بهتر باشد و اگر کسی چشم تاریک شود پوست را بپزند و خاکسترش را
 در چشم کشند تاریکی عین را ببرد و اگر چشم کل بسپارد باشد بکشد خاکستر نیت
 بار باز به چشم بپزند و در چشم کشند کل را ببرد و چند دفعه چنین نمایند
 بشود و دیگر دندان کفار را با خود نگاه دارد زخم چشم را و کار کند و اگر
 کسی شکم بپزند خون شش برده را بر سر زخم چشم کشند شکم بر آید و اگر کسی
 کور باشد کبوتری را خست کند و شش زهره بپزند و دیگر را خشک کند و بر آب هم
 سلاویه کرده در چشم کشند تا هفت روزی در پی بکشد کور بر آید و چشم
 روشن گرداند و اگر کسی چشم کوی تلخ را در خانه دود کند ملک از آن خانه بگریزد
 و دیگر زهره را در خانه بمالد و زود بر آن خانه در نیاید و هر که دندان
 حرکت ببرد دندان کور کند و بپزند و بر دندان طفل افزون تر شود و دیگر دندان کور کند
 با خود دارد و در سفر هر که جانور چهار پای او را ضرر زد و دیگر که بپزند و خرگوش
 بدست آید یا به پا در شکم کفایت میرا بوی کار و دیگر که زهره خرگوش را بر آن

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

چندان که زیاد باشد چشم را محبت کند می تواند و هر کس زبان گفتار را با خود دارد
 مسکن بر وی بازمی کشند و اگر این شیر را بر سر خود بگذرد فرجش تنگ نشود و اگر کسی
 سفتن کند را با حق و در چشمش لیسید از چشمش برود و هر کس سیر را ببرد
 و بر آب غسل بیاورد و بر زخم که بر پیشانی یا بجا بر طرف شده و هر که تر کین
 تازه است بچکانه در گوشش که این گوش را ببرد و هر کس زهره بزخا گوشت را
 در گوشش بچکانه که این گوش را ببرد و هر که دندان را با از طرف که دندان در دهان
 بیاورد در بر طرف شود و هر کس برود از تشنگی که در دهان ببرد و در دهان
 هر کس بپوشد و راه را در پیش نالد و آبش ببرد و اگر کسی را بگوید بهشت خردنگ را
 دویم کرده بگویند و بر زخم زخم فرموده را برون کشد و در آب بپوشد و هر کس
 که استخوان کوفته را بسوزاند و خاکسترش را بر پیشانی بگذرد و زخم و بر زخم مال
 بزد که شود و هر که آب کاسنی را با عسل مخلوط و آب بن را مال دارد و هر که بر روغن
 کند و در تن مالده شیش در جانه او نیشند و هر کس زیره کران را با سیاه در روغن

مورد ببرد

قصر دی خطابی

مورد ببرد موردی از آن مقام برون و هر کس دم گوشت را در محل یا در چشم یا در ده
 و در زیر خاک کشند و بکوبد و کوبان باغی و هر کس فتنه در دهن بگذرد یا با
 خیمه دارد و کزدم او را بگذرد و هر که تخم با روغن کل زرد بریان کند و با شکر
 بخورد با دخصیه بر طرف کند و اگر خصیه را شسته باشد با شکر و اگر شکر بگوید
 و در روغن باد را بر طرف بزد و هر کس بول کوبد در گوشش بچکانه در دهان
 بر طرف کند و هر کس خون کوبد با روغن بادام یا ببرد و در گوشش بچکانه که بر آب
 و اگر کسی را موی سر نباشد یا کوفته باشد زهره فوج را با روغن یا ببرد و بر موی مال
 موی بر آید و در آید که دو سه مرتبه چشم را بشوید و راه را بسوزاند و خاکسترش
 را با روغن ریتون مرهم کند و در آنجا مالده موی بر آید و هر که اسهال کشیده باشد و در
 شکم جاک کند و کرم را کرم بر زخم نهند و بپزند و در آنجا مالده و بر موی مالده و هر
 سیاه کند و اگر شیشان لاله را در چشمش بگذرد و بر آب ببرد و او را چشم را سود دهد
 هر که کنگر را بخورد و بپزم را پاک کند و هر که کنگر را بگوید و با سیاه سرخ تر کند و در

حکمت
نما

در کلاب بسیار خوب بخوانند و یک شاه کار سه صبح بیانشند
نافع است جهت آبستن زن اگر زهره گرگ آب بنفشه بادام بیاورد
مرزن بخورد و در معنی توقف کند فرجش شک شود و کم شود مرد باو جمع شود
با بکرد و حامله شود و بعد از جماعت اندک قطران را با لعل کوفته آب
سه آبش فکند و بخورد بر کرم که بخرست و در انشاء حجت تاسع است از جانی
حرکت نکند که بصاعت بسیار خوب نقطه در رحم می بیند و اگر زن دندان
آدمی را در نقره گیرند و با خود نگاه دارد و پیرایه فرگوشی را بخورد کبر آبستن
ختم خرقه مغز خیار ختم خطمی را پاک کرده با مغز بادام شیرین
و کشنیز رب اسکی ختم کشنیزه کل ارمنی و ختم کرفس
از هر یک این دوی دو مثقال کوفته و کوفته و پنجمه باغاب برهند
قرص زن و بدفعات بخورد سوده را صاف کوراند و منافعی بسیار دارد
باب در معالجه زهر و ادن کشنیز را با کشنیر صلایه کرده بر سردی بخالند و بریزند

و بنماول

و بنماول نماید دیگر مرد خوشبختی شود و یک مثقال با خواجیه عدد و مغز بادام
و بوداده بهم صلایه نموده با عرق طلع بیانش مد بخرست جهت بوی
بارچه آخر در معنی دس عی نگاه دارد بر طرف شود جهت که زن بر کز بایه
نکند و آبستن نشود بنفشه را با زهره گرگ سیاهیزد و فلیط کند و آب آخر
تر کند و بر مرزن دید تا بخورد بر کز آبستن نشود علاج کرمی بر کرمی
بگیرد و بکشد و پاک کرده باروغنی یا سیمین بپوشند و آبش را در گوش
چکانند و گاه روغن ادرادر گوشش کنند و اگر گوش او بماند بخورد و کرمی
بهره فصل در بپاش کشودن او از آب ترب غرغره کند و اندک
از ک بخورد او از آبش بد و تخم ترب بگوید و باروغنی بادام بیاورد و بر
روی خود مالند و یک زمان توقف نماید و آب کوه بشوید روی را شفاف سازد
و اگر کسی برک جعفر را بپوشاند و بدان آب موی را بشوید بر کز بپوشد
و اگر طفل که ناف او بد بریده باشد و ناف او بیرون آید ز نبات کوفته

باروغن کو کوفته مرهم شده بر شبانه روز سه مرتبه بر بالای ناف که از رنده بخرجه
 نموده اند اگر کسی را عرق کزیده باشد نشاء در آب انداخته آب ادم بزنند و در اینجا
 بمانند نافع باشد چه که زنا را فرزند شود مایه خرگوش سرکین خرگوش
 پیاز عنصر کوفته دهنه داخل غسل نموده بعد از ظهر تا غفلت سه روز بهمان
 وقت چای در پی بخورد که در بخورده باشد چهارم مرد بان زن صحت دارد
 بر کمره و نافع است معالج سرع و دندان کفک در میان بهاری بعضی را
 بهم برسد و در زه میگوید باید اول شیر دهنه را بر سر روی دهنه بعد از آن
 بنفشه و بابونه و سهولس آرد کند هم بآب بخورند تا نیکو بخندد که در دو نگاه
 صاف نمایند و یکم شغال روغن که و بر آن آب جگانه و در آفتاب بکشد و بحمام
 رونه و از لوله افتاب به آستین آستین آب بر سر وی ریزند و بکند از رنده تا اندک عرق
 کند و خود را بشوید و بیرون آیند و از باد بهوائی فطرت خود کند و چون وقت
 خواب شود سر و بینی و سوراخ گوش و خیمه تین را بروغن بنفشه با دایم جرب کند

دغذ اشکی

دغذ افورشی اشکی اشکی برنج و گوشت خرد شده بیکدیگر با روغن کدو کند بشود
 و فسخ دانه که از اسهال خستگی گویند عامه اسهال دایمی گویند اول بار
 که بهم رسیده باید در نیک نموده در ساعت آبی گرم که چنانکه کسوس شود
 بر بالای آن بکند از رنده که بر طرف شود و اگر به نشود زرد جو به و نبات
 دانه روت و واشش بر بر صلایه کند و بروی باشند و موم به سلیق
 بروی آن نهند تا آنرا بخورد که کشفایابد و اگر در دم پیشانی باز بر طرف
 دهد تا بخورد نهد با کبر و دفع لقوه و موی ریخته و موم نسوخته را بر
 عن یا سمین هر یک با مالند موی بر آرد و علاج درد دندان اگر
 کسی را عصب بکند و در آب جگانه بکشد و در آب جگانه بکشد و در آب جگانه بکشد
 بینه نافع است و کسی که زنده بکند یا بشود یا بشود یا بشود یا بشود یا بشود
 فوسفورین نام اگر کسی دانه ای از جبهه درد کند یا بشود آن دندان
 در زیر دندانهای دیگر و فک که بکند و دانه دیگر و دغذ کفک علاج درد در

اگر کسی را در سینه باشد استخوان کانه سر سکه در زیر پستی و دو کشته که هرگز
در سینه پسته اگر استخوان پای خروس بسوزاند و خاکستر آن بر جایگاه
سوخته افکند زود صحت یابد اگر سر کین کوبیده سیاه در زیر زنی که بچه در
شکم آن مرده باشد دو کشته بچه مرده از شکم او پیفته اگر کسی را خون
از قضایب آید کاه بویاسر که بخورد خون را باز دارد و خشک در و مفید
رنگ سیاه را بپزند و بزخم پاشند بهر شود و نافع است علاج نفخ
شکم سه روز این دوا را تناول نمایند که بغایت مجرب است
و مفید است قره قندیل هیل زنجبیل دار فاعیل
۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم
۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم
۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم ۲ مثقال نیم
جمله اصلایه نماید و پیش قسمت نماید صبح و وقت تناول نماید نافع است
بین طریق نبوش که در او پادینخته آرد کند هم پاک و این آرد و در او را
بهم نم کند

بهم نم کند دهنه روز از این قسم بغیر از دیگر چخته کند و نباشد تناول نماید
و ماسی کاه را در کشته انداخته که در آب چکه بانان در جانت تناول نماید
نافع است جهت دفع کربوه حایت و صبر بقوی و ادویه مسوی
خوب سلاویه کند و قدری آرد جو خمر نماید این دارو در میان خمر کلوله کند و سه
روز بهر روز سه کلوله که هر سه یک مثقال باشد بنوشد و غده اقلیه بنوشد
یک روز قبل و یک روز بعد که جمله پنج روز باشد که نافع است
جهت نفخ و قهر شکم هر صبح ده مثقال کگل انگلیسی عل با تخم کرفس
و این خون و رازیا نه از هر یک سه درم بنوشد و غده انخود آب
و تیر هو و کوتریچ و کنگرک کند و در کاهی و صبح یک مثقال جوارش
بنوشد خوب است نسخه در باب مرض کاشتر و روز نکند و خیار
که بسیار از موده و محرب است پیش از شروع سه روز سه درم بخورد
و در وقتی که در بالای کودال مر نشیند نقره بدین گیرد باید که پیش



سید الهی محمد موسی
صالح ق
صا
ع

از آنکه شروع نماید چند روز از ترشید و او نیز سید ملاحظه نماید و مجموع اجزای را
علیه علی که کوفته و پخته بعد از آن بوزن ده آورده بیکدیگر ~~میسازند~~
ممزوج ساخته شکر را در ظرف مسی که از کار ساخته باشند صلایه بوزن در
آورده از بارچه درایی پخته داخل اجزای نماید که خوب ممزوج کرده بعد از آن شش
قسمت نماید که هر یک بوزن یک انگشت نیم باشد سه روز بر روز صاب کوفته بیکدیگر صبح
و یکم ترشید شام یکی از آن اجزای را در آن ترشید و در سبزی آش بر پخته
نشسته طاف چند از طرفین بر سر خود اندازد که دو تمام باشد ام صاحب گفت
نورده که عرق بسیار از او میجوشد آمده بهمان طافها در جای خود بخوابد که
عرق بر طرف شود و بعد از آن ترشید بپوشد و از ترشید بپوشد ملاحظه نماید غذا
پخته نذول نماید و بعد از آن ترشید که دو تمام شود چند نوره یک از ترشیدها را ^{ملاحظه}
نماید هر چند بیشتر تر و اگر قیض شود باید که اندک روغن بزره بپاشد و در او
اسهال شود و زیاده را در سر ترشید نذول نماید و در آن اشادین صاحب گفت

اداجاء نصر الله
اداجاء
رضم میشود